

# سرخس در دوره ناصری و...

اشاره:

ده‌ها مقاله است که در نشریات معتبر به چاپ رسیده است. فهرست آثار مهم ایشان در پایان همین گفت‌وگو آمده است. در نشست که در روز ۸۱/۱۰/۲۳ با ایشان در محل دفتر کتاب ماه تاریخ و جغرافیا داشتیم به گفت‌وگو پیرامون پاره‌ای از آثار او که در مورد سرخس، سفرنامه‌ها، تاریخ مطبوعات، زندگی و آثار ملک‌الشعراى بهار و... است، پرداختیم.

محمد گلبن در سال ۱۳۱۴ در یکی از روستاهای تابع اردستان متولد شد و از دوره جوانی با علاقه بسیار به مطالعه در تاریخ و فرهنگ ایران پرداخت. مطالعات وی بعدها جهتی مشخص یافت و عمدتاً معطوف به مطالعه و پژوهش در تاریخ ایران دوره قاجار و معاصر شد. حاصل تحقیقات او در طول سالیان متمادی، انتشار بیش از پنجاه کتاب و

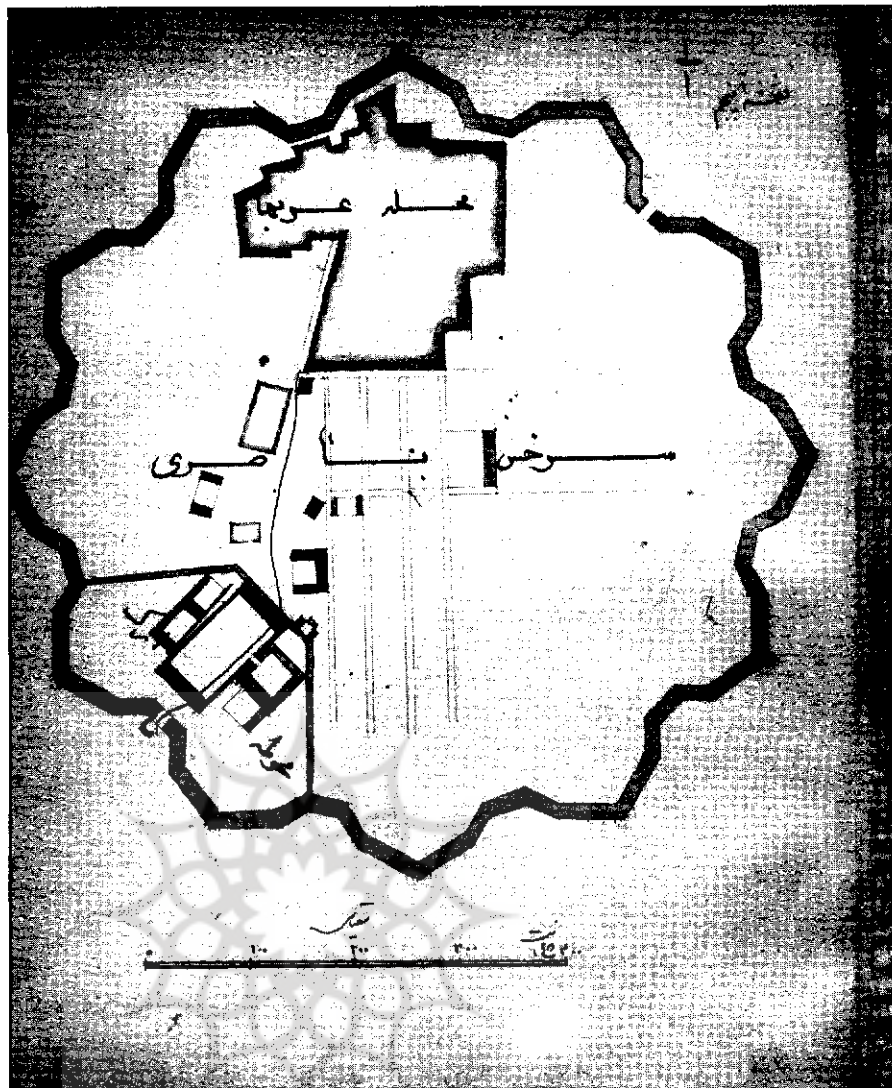
تبریزتیا: با تشکر از آقای گلبن که زحمت کشیدند و وقت‌شان را در اختیار کتاب ماه قرار دادند تا از تجربیات‌شان استفاده کنیم و خوانندگان را با آثارشان آشنا سازیم. در ابتدا از ایشان خواهش می‌کنیم شرح حال مختصری از زندگی‌شان بفرمایند.  
گلبن: به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

من در سال ۱۳۱۴ در قریه دورافتاده‌ای بنام کهیز بین اردستان و نائین به دنیا آمدم. پدرم دهقان بود و به دهقان‌زادگی‌اش افتخار می‌کرد. او نظرش این بود که در این کشور کسی خدمتگزار است که یا دهقان و یا آموزگار باشد. در زادگاهمان خانواده‌های مختلفی بودند اعم از فقیر و غنی. آن‌هایی که امکانات تحصیل داشتند ابتدا در چند مکتب روستا درس‌شان را شروع می‌کردند و آن‌هایی که امکانات بیشتری داشتند از اصفهان و اردستان معلمان خصوصی زن برای دخترانشان و معلمان مرد برای پسران‌شان می‌آوردند. غیر از زبان فارسی، زبان عربی و فرانسه را هم تدریس می‌کردند. هنوز زبان انگلیسی رایج نشده بود. پدرم مرد زحمتکشی بود که به تحصیل فرزندانش علاقه زیادی داشت. تمام بار زندگی را خودش به دوش می‌کشید تا ما سه برادر درس بخوانیم. ایشان به تحصیل ما سه برادر اهتمام خاصی داشت.

برادران من نسبت به مسایل دینی بسیار علاقمند بودند و هرگاه کاروانی به اصفهان می‌رفت و کتابی می‌آورد ما برای خواندن آن کتاب رقابت داشتیم. اگر کتاب درباره مسایل مذهبی و دینی بود، اول آنها می‌خواندند و اگر درباره ایران بود اول من با علاقه می‌خواندم. پدرم مرا در شش سالگی به مکتبخانه ده سپرد. من هفت سال در آن مکتب درس خواندم. در سال ۱۳۲۶ در امتحان ششم ابتدایی قبول شدم و وقتی که برای ثبت‌نام به تهران آمدم، به علت کمی سن یک سال مرا ثبت نام نکردند. ناچار به ده برگشتم و سه سال نزد استاد ملا محمدحسین نیستانی، متخلص به فائق، معروف به حاج آخوند که حوزه دیده بود و از دانشمندان بزرگ این مملکت محسوب می‌شد و خطاط و شاعر و نویسنده و محقق بود به سفارش پدرم به یادگیری شاهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی، گلستان سعدی و سفرنامه ناصر خسرو پرداختم. این مرد از تاریخ بیهقی که به آن علاقمند بودم و قبلاً هم با برادرانم آن را خوانده بودم، آموزش را شروع کرد.





بیهقی را که باز کنید یا از حفظ برایتان می‌خوانم یا داستانش را برایتان تعریف می‌کنم.

تبریزتیا: چه سالی به تهران آمدید و آیا در تهران به تحصیل مشغول شدید یا به کار. گلین: در سال ۱۳۲۸ و در سن چهارده سالگی به تهران آمدم و در دبیرستان علوی و بعد جمعری تا مقطع دیپلم به تحصیل پرداختم. ولی بعد به علت مرگ پدرم و تحمل هزینه‌های خانواده دیگر نتوانستم به دانشگاه بروم و خودم شروع کردم به مطالعه و تحقیق. سه سال در تهران به انجمن‌های ادبی می‌رفتم ولی دیدم که چیزی یاد نمی‌دهند. در خانه نشستم و کار مطالعه و پژوهش را ادامه دادم. در همین دوران در بخش اداری یک مؤسسه زاپنی به کار مشغول شدم. که در حدود ۲۷ سال ادامه یافت. چون مدیر مؤسسه می‌دانست که من کار فرهنگی می‌کنم اجازه داده بود که روزی سه ساعت کمتر از سایر کارمندان در شرکت حضور یابم. در یکی از سال‌ها مرحوم حمید عنایت می‌خواستند مرا به عنوان استاد راهنما به دانشکده حقوق ببرند ولی شرکت موافقت نکرد بنابراین من در شرکت یاد شده ماندم تا بازنشسته شدم.

تبریزتیا: با تشکر از توضیحی که درخصوص زندگی خود دادید می‌خواستم با اشاره به کارهایی که شما در زمینه تاریخ محلی انجام داده‌اید از جمله درخصوص اردستان و سرخس، بی‌پرسم که این دو شهر چه ویژگی‌هایی داشته که شما علاقمند به تحقیق درباره آن‌ها شده‌اید؟

گلین: در حدود ده سال است که به تحقیق درخصوص اردستان پرداخته‌ام ولی از سی سال پیش به خراسان بزرگ و به‌ویژه منطقه سرخس پرداخته‌ام. نمی‌دانم چه جذباتی در منطقه سرخس بود که همیشه مرا به سمت خودش می‌کشید تا این که رساله مختصر مرحوم مهدی پامداد با عنوان آثار تاریخی و جغرافیایی سرخس را دوبار خواندم که البته مرا اقناع نکرد و لذا درصدد یافتن اطلاعات بیشتر برآمدم. حتی دو سال مرخصی گرفتم و شروع کردم به تهیه مطالب لازم برای تدوین کتابشناسی خراسان. اما در لاسط کار با مشکل عجیبی مواجه شدم و آن این که دیدم نمی‌توانم آثار مربوط به افغانستان و آسیای مرکزی را در این کتابشناسی بیاورم.

تبریزتیا: آوردن اطلاعات کتابشناختی در کتابشناسی مزبور چه مشکلی می‌توانست در پی داشته باشد. گلین: درست است که بنا به منابع تاریخی افغانستان و بخش‌هایی از آسیای مرکزی چیزی از ایران بوده ولی چون در حال حاضر قلمرو مستقلی هستند نمی‌توانستیم در این کتابشناسی به آن‌ها بپردازیم چون ایراد می‌گرفتند. تبریزتیا: آقای گلین اگر ممکن است بحث را از پیشینه سرخس شروع کنید.

تبریزتیا: لطفاً درباره روش تدریس ایشان بیشتر توضیح دهید.

گلین: ایشان وقتی یک صفحه را درس می‌داد به لهجه اصفهانی می‌گفت: آمد امروز من استاد و تو شاگرد فردا تو استاد و من شاگرد خواهم بود. آن چه را که تو آموخته‌ای فردا باید به من تحویل دهی، اگر یک کلمه خطا بگویی، قبول نمی‌کنم. من هم هر روز بعد از ظهر از ساعت ۵ تا ۷ پیش ایشان می‌رفتم. تاریخ بیهقی را نزدیک هشت ماه پیش ایشان خواندم. بعد بعضی از صفحات را که برای ایشان می‌خواندم. می‌دیدم که راضی است ولی به روی خودش نمی‌آورد و می‌گفت باز هم بهتر می‌توانی بخوانی، یک بار دیگر بخوان ببینم که آیا نوشته‌های بیهقی را آموخته‌ای یا نه؟

در آخرین جلسه خواندن تاریخ بیهقی گفت: آمد ما خیلی مردمان بدبختی هستیم چه می‌شد اگر خدا ما را در دوره بیهقی می‌آفرید تا ما هم یکی از شاگردان او بودیم و از دانش و بینش عمیق این مرد چیزها یاد می‌گرفتیم افسوس که هزار سال گذشته و ما هنوز کتاب کامل این مورخ بزرگ را در اختیار نداریم. می‌گفت: هیچ وقت از این کتاب جنا نشو و من واقعاً حرف این استاد را گوش کردم و هنوز هم که هنوز است تنها کتابی که همیشه با من است یا شاهنامه است یا تاریخ بیهقی. همیشه به این دو کتاب علاقه شدید داشته‌ام. شما هر صفحه‌ای از تاریخ

نقشه قلعه سرخس ناصری به قلم محمدحسین مهندس در سال ۱۳۱۱ ه. ق. عکس از نسخه خطی «کتابچه سرخس» این کتاب به تصحیح محمد گلین در کتاب «سفرنامه رکن‌الدوله به سرخس»، در سال ۱۳۵۶ چاپ شده است.

گلبن: وضع سرخس در طول تاریخ بسیار آشفته بوده است. مخصوصاً روس‌ها درصد بلعین آن منطقه بودند کما این که بخشی از آن را تصرف کردند. یعنی **میرزا آقاخان نوری** و **میرزا علی اصغر خان اتابک** یا روس‌ها ساخت و پاخت کردند و سرخس کهن یا ناصری را از دست دادند. بستن قرارداد آخال و امثال آن نشان‌دهنده خیانت برخی از دولتمردان این سرزمین در حق آب و خاک این کشور بوده است. چند شب پیش به سندی برخوردارم راجع به قوچان. در این سند آمده بود که **سهام الدوله** دهی به نام چارکی را در نزدیکی باجگیران که جزء خاک ایران بوده، همین طوری به روس‌ها بخشیده است و **میرزا حسن خان مشیرالدوله** که در آن هنگام در وزارت امور خارجه منصب داشته در اعتراض به سهام الدوله می‌نویسد که فلانی مگر لنگه کفشش بوده که همین طور ۲۴ خانوار را آواره و خانه‌ها را ویران کرده‌ای و برای این که مرز صاف شود، ده را به روس‌ها بخشیده‌ای. اگر قرار بر راست شدن مرزها بود الان همه دنیا آشوب بود، همه دعوا سر مرز است و همه مرزها کج است. چرا تو این ده را به روس‌ها بخشیده‌ای؟

**صالحی:** به نظرم ناصرالدین شاه علیرغم برخی دولتمردان نسبت به سرخس حساسیت خاصی داشته است. من در کتاب «اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه» در همین زمینه به سند جالبی برخوردم. در آن سند ناصرالدین شاه در ذیل نامه وزیر امور خارجه به او می‌نویسد: «امروز صریح و در کمال سختی به وزیر مختار [روس] بگو، البته به همین عبارت که می‌نویسم: بگو البته که شاه می‌گوید من می‌توانم از سلطنت خودم بگذرم، لیکن نمی‌توانم از یک وجب از خاک و متعلقات سرخس بگذرم. این حرف آخر است و جواب بگیر از او و به عرض برسان...» با این توضیح می‌خواستم ببینم آیا با این نظر که ناصرالدین شاه به سرخس توجه خاصی داشته موافق‌اید یا نه؟

گلبن: بله. ناصرالدین شاه به سرخس خیلی توجه جدی داشته که مثلاً روس‌ها به آن جا وارد نشوند و یا از قسمت مرزی تجاوز نکنند، کما این که رود تجن مقداری آب گرفته بوده، بعد تعدادی نیرو از طرف سرخس می‌خواستند احتمالاً به افغانستان بروند ناصرالدین شاه نامه تندی به وزیر امور خارجه می‌نویسد، مبنی بر این که این‌ها چه حقی دارند که از داخل خاک ایران عبور می‌کنند؟

**تبریزنیا:** من هم راجع به علت توجه ناصرالدین شاه سوآلی داشتم. و آن این که آیا ناصرالدین شاه علایق شخصی به سرخس داشته و یا اوضاع و شرایط سیاسی و بین‌المللی چنین اقتضاء می‌کرده است؟

گلبن: یکی از کارهای خوب ناصرالدین شاه این بود که تعدادی از مهندسان را به استان‌ها و مناطق مرزی گسیل می‌داشت تا از اوضاع مناطق مرزی گزارش تهیه کنند و به استحضار وی برسانند. گزارش **عبدالله سرهنگ** از منطقه سرخس یا سفرنامه سرخس یکی از همین موارد است. بنده این گزارش را چند سال پیش آماده چاپ کردم و در نظر داشتم با تصاویر و اسناد معتبر به صورت جداگانه منتشر کنم، دوست فرزانه گرامی حضرت **حجت‌الاسلام شیخ رسول جعفریان** که از کم و کیف این رساله آگاهی داشت این سفرنامه آماده شده را گرفت و در یکی از دفترهای «میراث اسلامی ایران» منتشر کرد.

بنده کمتر گزارش‌گری را دیدم که مانند عبدالله سرهنگ در کار خود دقت نظر به کار برده باشد عبدالله سرهنگ که سال‌ها پیش از تحریر این گزارش مدتی را در سرخس اقامت داشته با منطقه دقیق آشنا بوده و روی همین آشنایی است که ناصرالدین شاه او را مأمور بررسی منطقه سرخس کرده است. ناصرالدین شاه به مسئله امنیت در مناطق مرزی توجه خاص داشت. اخیراً حکمی دیدم که در آن ناصرالدین شاه گفته بود: «در خراسان کارهایی می‌کنند که من باید ببایم و همه را دم توپ بگذارم. به جای ایجاد امنیت مشکل به وجود می‌آورند.»

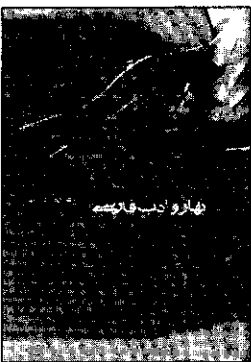
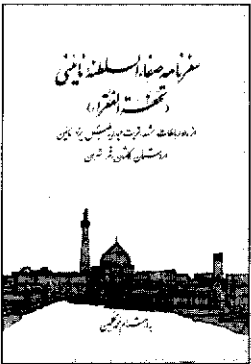
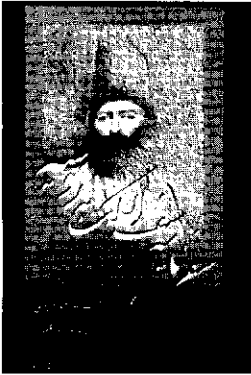
**تبریزنیا:** آیا فکر نمی‌کنید شرایط بین‌المللی که منجر به قرارداد آخال شد یکی از عوامل مؤثر بر جلب توجه ناصرالدین شاه به آن مناطق بود؟ و برای همین افرادی را برای تهیه این گزارش‌ها به مناطق مختلف مرزی گسیل داشت؟

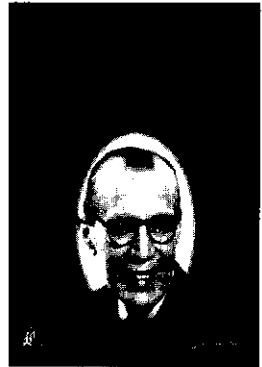
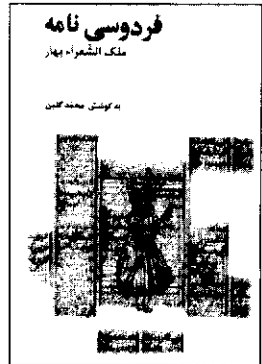
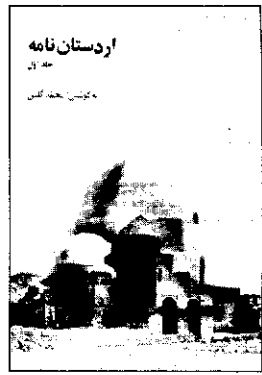
گلبن: بله. کتابچه‌های گزارش‌رسانی که برای بازدید از مناطق مرزی فرستاده شدند اکنون در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. این‌ها جزء بیوتات سلطنتی است. مجموع این گزارش‌ها درباره همه شهرها و مناطق مرزی است که برای ناصرالدین شاه تهیه شده و وی آن‌ها را می‌خوانده و درباره‌شان دستور می‌داده است. نامه‌هایی از ناصرالدین شاه دارم که در آن‌ها راجع به نگهداری و موقعیت سرخس تأکید بسیار کرده است. امید است فرصت پیدا کنم مجموعه نامه‌های ناصرالدین شاه را درباره سرخس و یلداشت‌هایی را که درباره جداسازی منطقه فیروزه خراسان نوشته‌ام تدوین و منتشر کنم که یکی از کارهای لازم است. برای این که علاقه ناصرالدین شاه را به منطقه سرخس نشان بدهم تصویر چند نامه از او را در اختیار شما می‌گذارم تا در ضمن انتشار گفت‌وگو از نظر خوانندگان محترم بگذرد.

**صالحی:** من فکر می‌کنم یکی از دلایل توجه خاص ناصرالدین شاه به سرخس به خاطر نگرانی‌هایی بوده که از توسعه‌طلبی روس‌ها در مناطق آسیای مرکزی داشته است. یکی از آثار خوبی که آقای گلبن منتشر کرده‌اند و بعد به آن اشاره خواهیم کرد، **سفرنامه ترکستان و ایران** است که به دستور شخص ناصرالدین شاه و توسط علی مترجم، ترجمه شده است. این سفرنامه و سفرنامه‌های مشابه دیگر که مربوط به آسیای مرکزی هستند و در دوران ناصرالدین شاه بر روی آن‌ها کار شده نشان‌دهنده توجه این پادشاه به خطرات ناشی از توسعه‌طلبی روس‌ها در نزدیک مرزهای شمال شرقی ایران بوده است. البته اگر سفرنامه‌های منتشر شده مربوط به آسیای مرکزی که در دوران ناصرالدین شاه از غربی‌ها ترجمه شده روزی انتشار یابند می‌تواند در روشن شدن این قضیه کمک کند.

گلبن: تعدادی از این سفرنامه‌ها چاپ شده و برخی هم در آینده چاپ خواهد شد از جمله **سفرنامه ماگامان** که راجع به ماوراءالنهر است و آقای **ستوده** تصحیح کرده و بنا دارد در آینده آن را چاپ کند.

**صالحی:** به نظر من ناصرالدین شاه برخلاف برخی از حکام محلی که خائن از آب درمی‌آمنند و علائق ملی چندانی نداشتند غافل از تحولات خارج از مرزهای ایران و به ویژه توسعه‌طلبی روس‌ها و انگلیس‌ها نبوده و مسائل خارجی مؤثر در موقعیت ایران را از نزدیک پیگیری می‌کرده است. در برخی از اسنادی که وزارت امور خارجه، در قالب چند کتاب منتشر کرده، در چندین جا





دیدام که ناصرالدین شاه راجع به سرخس و مناطق مرزی دیگر نگرانی‌هایی داشته و در کل نسبت به مرزهای ایران و موقعیت و منافع این کشور حساسیت داشته است. حالا چرا بعضی‌ها عکس این نظر را دارند؟

گلبن: بعضی از افراد در باب تاریخ ایران تحقیق نکرده نظر می‌دهند. اگر کسی به اسناد مراجعه کند نظر جنابعالی را تأیید می‌کند. من نامه‌هایی از ناصرالدین شاه دیدام که حتی نسبت به ورود دو تا ژاندارم ترکمن به سرخس طی اجازه وزارت امور خارجه سخت اعتراض کرده است. این که این‌ها چه حقی داشته‌اند که بی‌اجازه وارد خاک ما بشوند. دو گزارش از یک روزنامه‌نگار روسی راجع به ایران و منطقه سرخس چاپ کرده‌ام که باز هم مؤید حساسیت ناصرالدین شاه به این منطقه است.

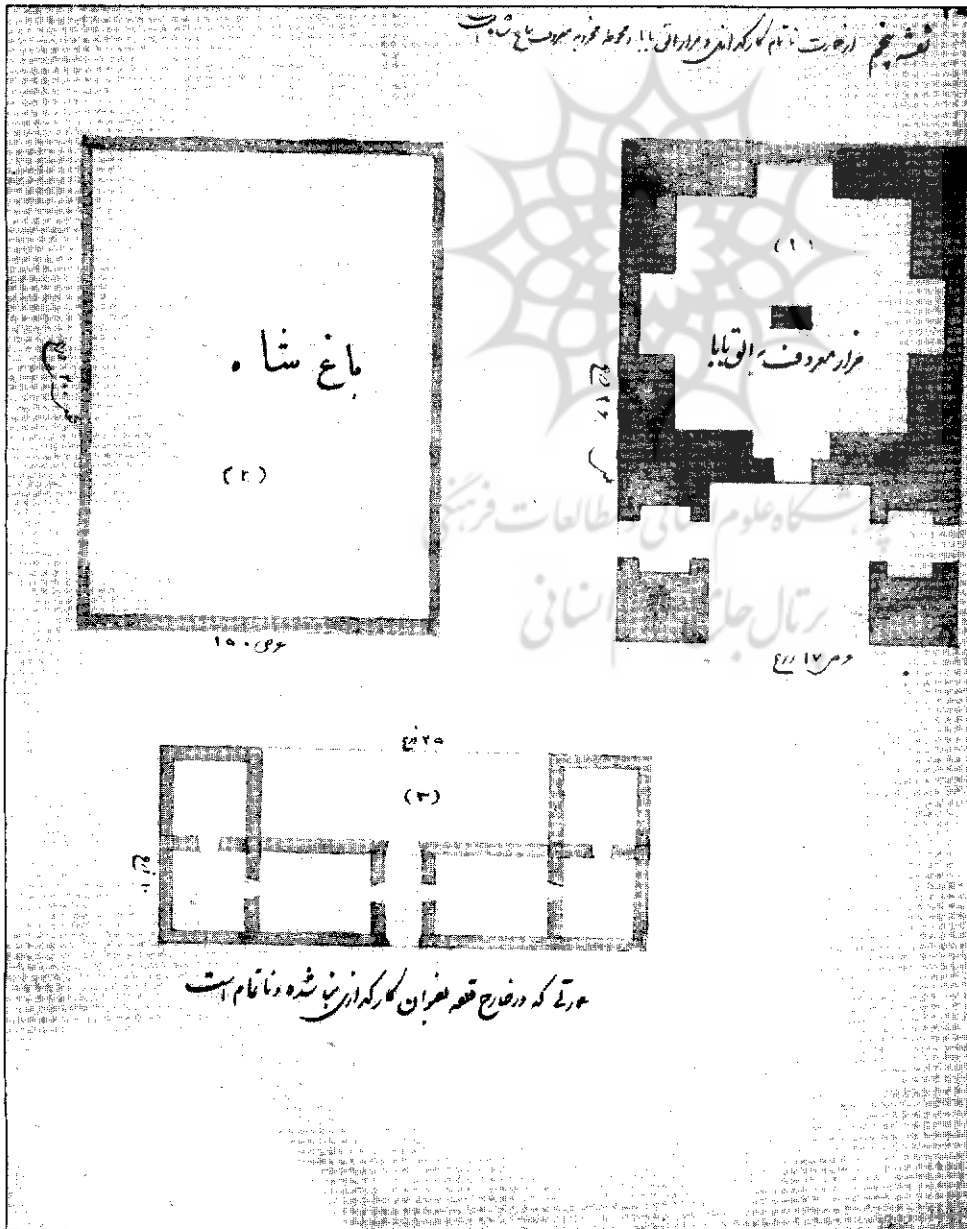
تبریزنیا: آیا راجع به سرخس به جز آثاری که منتشر کرده‌اید و در این گفت‌وگو به برخی از آن‌ها اشاره شد آیا منابع منتشر نشده دیگری نیز در اختیار دارید که در آینده منتشر سازید؟

گلبن: آن چه که من دارم مجموعه‌ای از نامه‌های ناصرالدین شاه راجع به سرخس و یک گزارش هم از میرزا نصرالله خان

مشیرالدوله است که اگر موافق باشید در قالب یک مقاله تحقیقی برای نشر در مجله کتاب ماه تاریخ در اختیار شما قرار دهم. علاوه بر این یک مجموعه شامل چهار رساله درباره سرخس به نام سرخسیه فراهم کرده‌ام و آقای روح‌بخشان ویراستاری کرده‌اند که تقریباً آماده چاپ است.

صالحی: من شنیده‌ام که شما راجع به مسئله فروش دختران قوچانی به ترکمن‌های آن سوی مرز اسناد زیادی را جمع‌آوری کرده‌اید در این خصوص اگر مطلبی دارید بفرمایید ضمن این که راجع به صحت و سقم این مسئله هم اگر نظری دارید بفرمائید. به ویژه این که برخی معتقدند که مسئله فروش دختران را در اوایل مشروطه برای ایجاد تب و تاب در بین مردم علیه رژیم قاجار عده‌ای ساخته و پرداخته‌اند.

گلبن: بله من راجع به فروش دختران قوچانی با مرحوم همسرم نزدیک به هشتصد صفحه مطلب کار کرده‌ام که همه‌اش اسناد دست اول است و در کتابخانه‌ام آماده است ولی این اسناد به قدری دردناک است که هر شبی که من و همسرم می‌خواستیم یک یا دو صفحه از این اسناد را بازنویسی کنیم



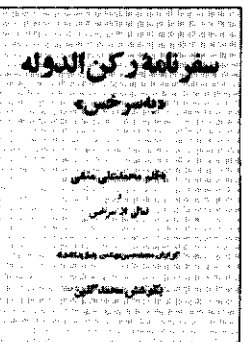
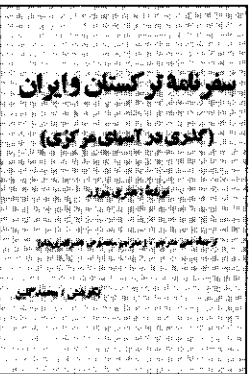
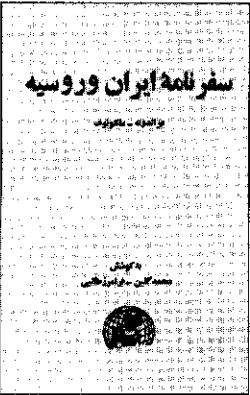
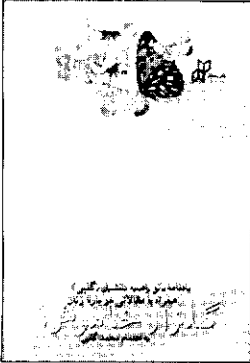
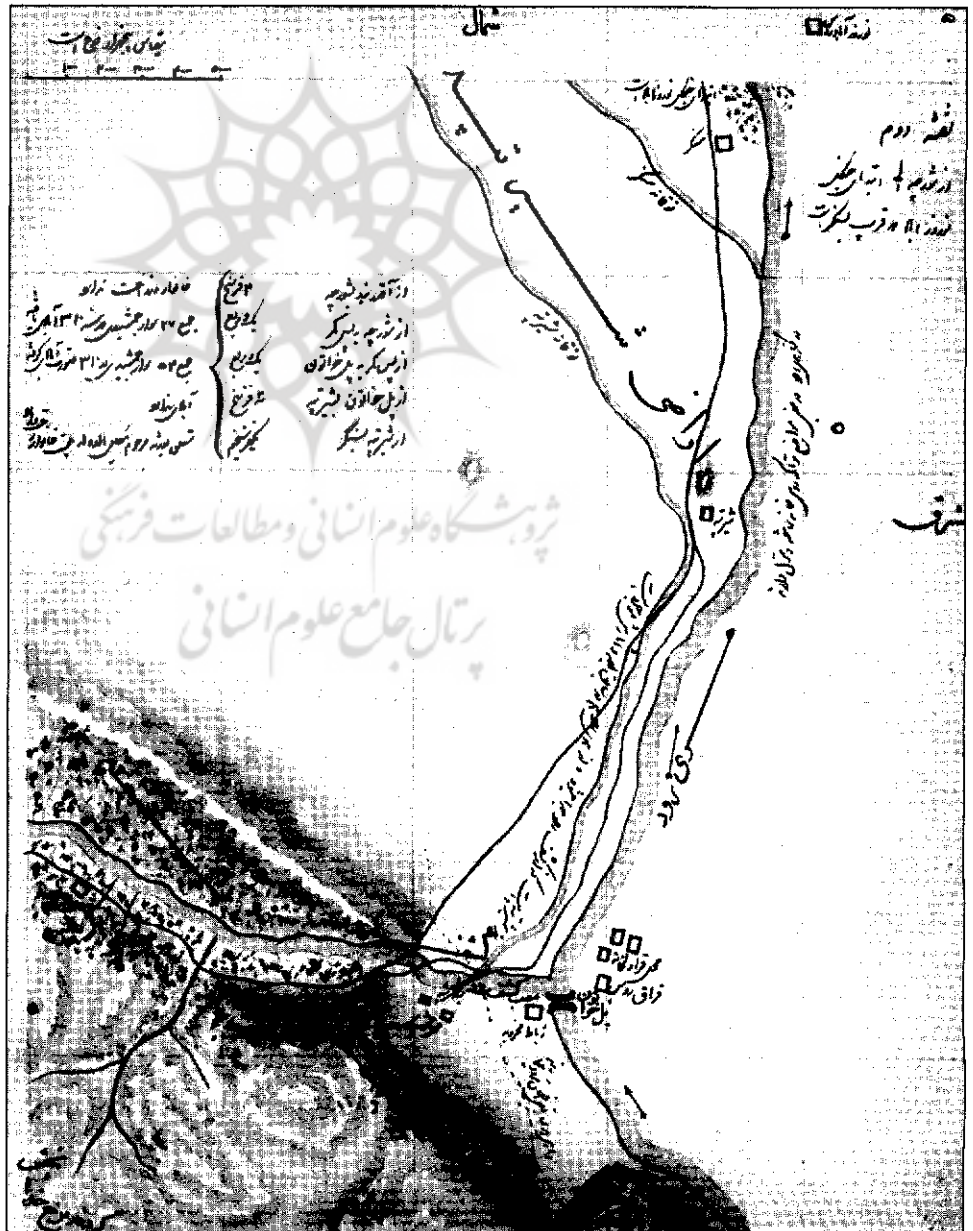
نقشه چند عمارت در سرخس ناصری به قلم محمدحسین مهندس در سال ۱۳۱۱ ه.ق. عکس از نسخه خطی «کتابچه سرخس» که به تصحیح محمد گلبن در کتاب «سفرنامه رکن‌الدوله به سرخس» چاپ شده است.

قدر ناراحت می‌شدیم که اشک از چشمانمان جاری می‌شد. کسانی که در صحت این مسئله حرف دارند یا از تاریخ ایران بی‌خبراند یا اغراض شخصی دارند. اصلاً حاکم خراسان را بر سر این مسئله به محاکمه کشاندند. ما در روزنامه‌های آن موقع اخبار و اطلاعات موثق داریم در وزارت امور خارجه و استانداری خراسان اسناد فراوان داریم منتهی باید این اسناد را در اختیار قرار دهند.

تبریزتیا: با توجه به آخرین قراردادی که در دوره قاجار و به طور مشخص در دوره ناصری بسته شده و مرزها به طور روشن مشخص شده سرخس دقیقاً در کنار مرز قرار گرفته است. می‌خواستیم پیروم با توجه به فرار گرفتن بخشی از سرخس در آن طرف مرز و بخشی در این طرف مرز، سرخس قدیم کجا بوده و سرخس جدید کجاست.

گلین: روس‌ها بعد از قرارداد آخال آمدند و سرخس را به دو منطقه تقسیم کردند، منطقه‌ای از سرخس که آن طرف رود تاجن بود و به سرخس ناصری و کهنه معروف بود و خوش آب و هوا بود و به شهر فیروزه می‌رسید به روس‌ها تعلق گرفت و این

طرف سرخس که در قلمرو ایران است و قبر لقمان بابای حکیم آن جا است و یکی از بناهای معماری بزرگ محسوب می‌شود به ما تعلق گرفت. قرار بر این بود که در عوض سرخس کهنه که در اختیار روس‌ها قرار گرفت، منطقه مهم و خوش آب و هوای شهر فیروزه به ایران واگذار شود. در ابتدا آنجا را برای چند سال تحویل شهر فیروزه طفره رفتند. در ابتدا آنجا را برای چند سال اجاره کردند. سپس چند بار مدت اجاره را تمدید کردند و عاقبت علیرغم تلاش‌های ایران هیچوقت این منطقه به ایران نده نشد. یک وقتی بغیاری که با هیأتی برای تعیین حدود مرزی سرخس رفته بود به دهی می‌رسد که آب‌اش در خاک روسیه قرار می‌گرفته و خانه‌های آن در خاک ایران. بغیاری چون می‌بیند جلوی ورود آب را غالباً مسدود می‌کنند دست به اعتصاب غذا می‌زند مأموران روسی با لنین تماس می‌گیرند و جریان را گزارش می‌دهند لنین دستور می‌دهد که ده را با هر قطعه زمین دیگری که طرف ایرانی می‌خواهد، معاوضه کنند و این کار صورت می‌گیرد، بدین گونه که قطعه زمینی را در نزدیکی مغان که نامرغوب و نامطلوب بوده می‌دهند و ده را می‌گیرند. ما از



نقشه مسیر کشف رود و آبادی‌ها و مواضع جغرافیایی اطراف آن به قلم محمدحسین مهندس در سال ۱۳۱۱ ه. ق. عکس از نسخه خطی تألیف محمدحسین مهندس گرفته شده است. این گزارش به تصحیح محمد گلین در کتاب «سفرنامه رکن الدوله به سرخس» چاپ شده است.

گزارش میرزا نصرالله خان  
از ملاقات با سفیر روسیه

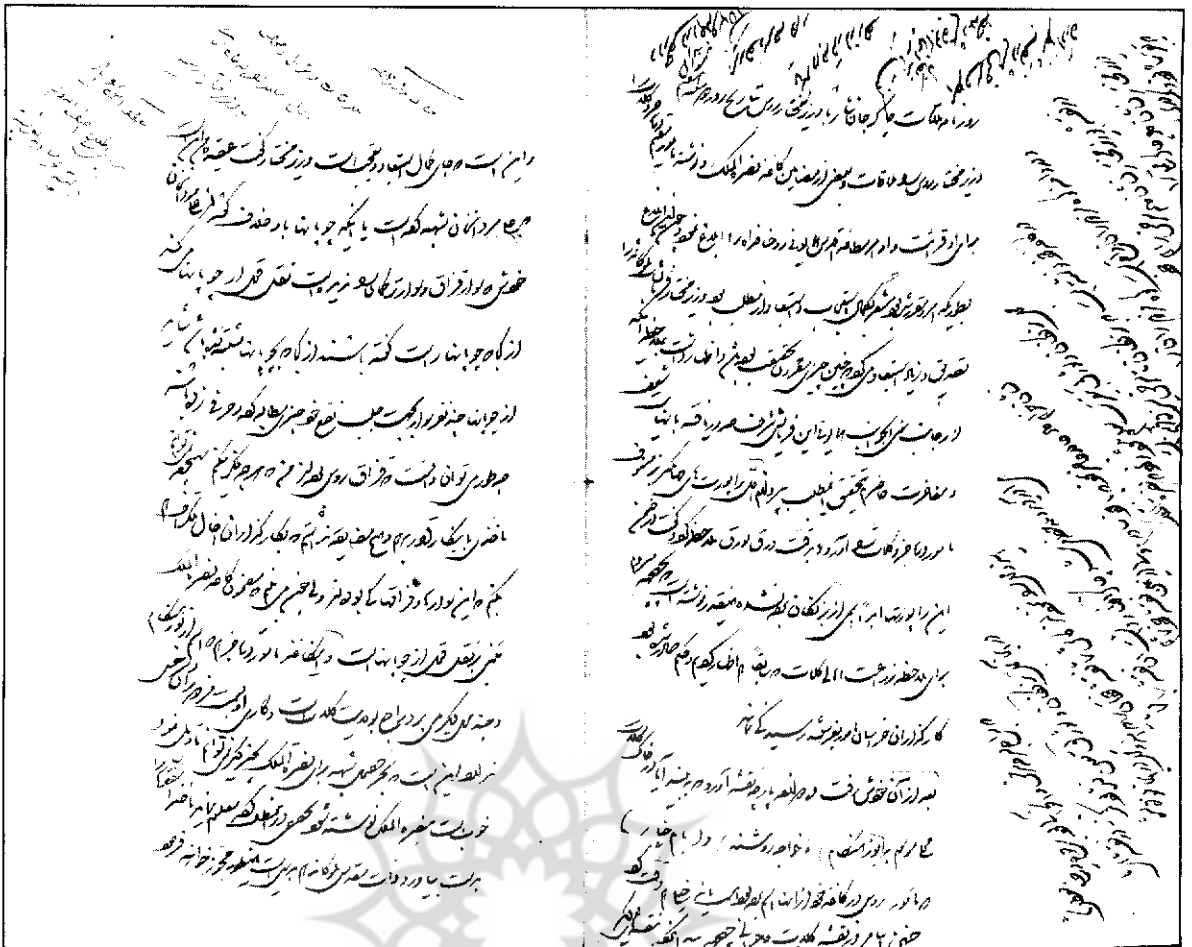
مجلس شورای ملی  
روزنامه‌ها و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...

روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...

روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...  
روزگار و ...

لحاظ مرزی مشکلات زیادی با روس‌ها داشتیم.  
تبریزنیا: لطفاً در مورد اهمیت کار بر روی تاریخ‌های محلی  
هم مطالبی بفرمائید. به ویژه از تجاربستان در خصوص کارهایی که  
در مورد سرخس کرده‌اید.  
گلبن: ما باید یک فرهنگ منطقه‌ای برای هر منطقه تهیه  
کنیم و اولین کار ما در این رابطه باید تهیه کتابشناسی و  
منبع‌شناسی مناطق باشد تا بتوانیم مواد و مطالب لازم برای  
تحقیق را برای دانشجویان علاقه‌مند به مطالعه در حوزه‌های  
مشخص جغرافیایی آماده کنیم. باید دانشجویان و محققان جوان  
به تحقیق پیرامون منطقه خاص جغرافیایی خودشان ترغیب  
شوند. گذراندن پایان‌نامه‌های تحصیلی روی مناطق مختلف  
ایران حائز اهمیت زیادی است. باید اسناد و مدارک ناشناخته‌ای را  
که هنوز در خانه‌ها و یا آرشیوها بدون مطالعه باقی مانده بیرون  
کشید و روی آن‌ها کار کرد از این طریق است که ما می‌توانیم  
نسبت به مناطق مختلف ایران به‌ویژه مناطق مرزی شناخت  
خوبی به دست آوریم.  
صالحی: من هم راجع به تاریخ‌های محلی عرض  
مختصری داشتم. بنده معتقدم فهم تاریخ عمومی ایران در هر  
دوره تاریخی مستلزم شناخت اجزاء اصلی متشکله تاریخ عمومی  
است. یکی از همین اجزاء مهمه تاریخ‌های محلی است. تا ما  
نتوانیم به تاریخ‌شناسی محلی و فرهنگ‌شناسی منطقه‌ای دست  
پیدا کنیم نمی‌توانیم یک شناخت عمومی نسبت به یک دوره  
تاریخی مشخص به دست آوریم. اگر بخواهیم از تشبیه استفاده  
بکنیم می‌توانیم تاریخ عمومی را در حکم جنول و تاریخ‌های

محلی را در حکم خانه‌های جنول فرض کنیم. زمانی که تک‌تک  
این خانه‌ها پر بشود، جنول معنا و مفهوم کلی خود را نشان  
می‌دهد. ما در گذشته‌های دور مثلاً هزار سال پیش تاریخ‌های  
محلی ارزشمندی نظیر تاریخ بخارا، تاریخ قم، تاریخ نیشابور و ...  
داشته‌ایم. ولی در بعضی دوره‌ها مورخان به نوشتن تاریخ‌های  
عمومی توجه بیشتر نشان داده‌اند و همین امر موجب غفلت از  
پرداختن به تاریخ‌های محلی شده است. خوشبختانه از چند دهه  
قبل به این طرف پاره‌ای از محققان و مصححان به آثار منتشر  
نشده مربوط به تاریخ‌های محلی توجه نشان داده و برخی از  
نسخه‌های خطی و اسناد با ارزش را احیاء و منتشر کرده‌اند.  
از جمله چند اثر مهمی که آقای گلبن در خصوص سرخس منتشر  
کرده‌اند در زمره همین کارها قرار می‌گیرد.  
تبریزنیا: می‌خواستم خواهش کنم کمی هم در خصوص  
ویژگی تمدنی و فرهنگی سرخس در گذشته صحبت شود.  
چیزی که معروف است در قرون میانه در سرخس کتابخانه و  
علمای بزرگی بوده است.  
گلبن: بیشتر شهرهای خراسان مثل طوس، سرخس، نساء  
و ... از دوره سلطان محمود به بعد شهرهای بزرگی بودند که در  
آن‌ها کتابخانه و مراکز فرهنگی وجود داشت. در تاریخ بیهقی هم  
به نام شهرهای مهم دیگر اشاره شده است. بیهقی نقل می‌کند  
که سلطان مسعود در هنگام حرکت از نساء به ایبورد برای  
سرکوب ترکمن‌ها در ضمن راه به فیل‌باش می‌گویی وقتی به  
طوس رسیدیم مرا بیدار کن. وقتی می‌رسند فیل‌بان جرات  
نمی‌کند سلطان مسعود را بیدار کند مقناری که از طوس عبور



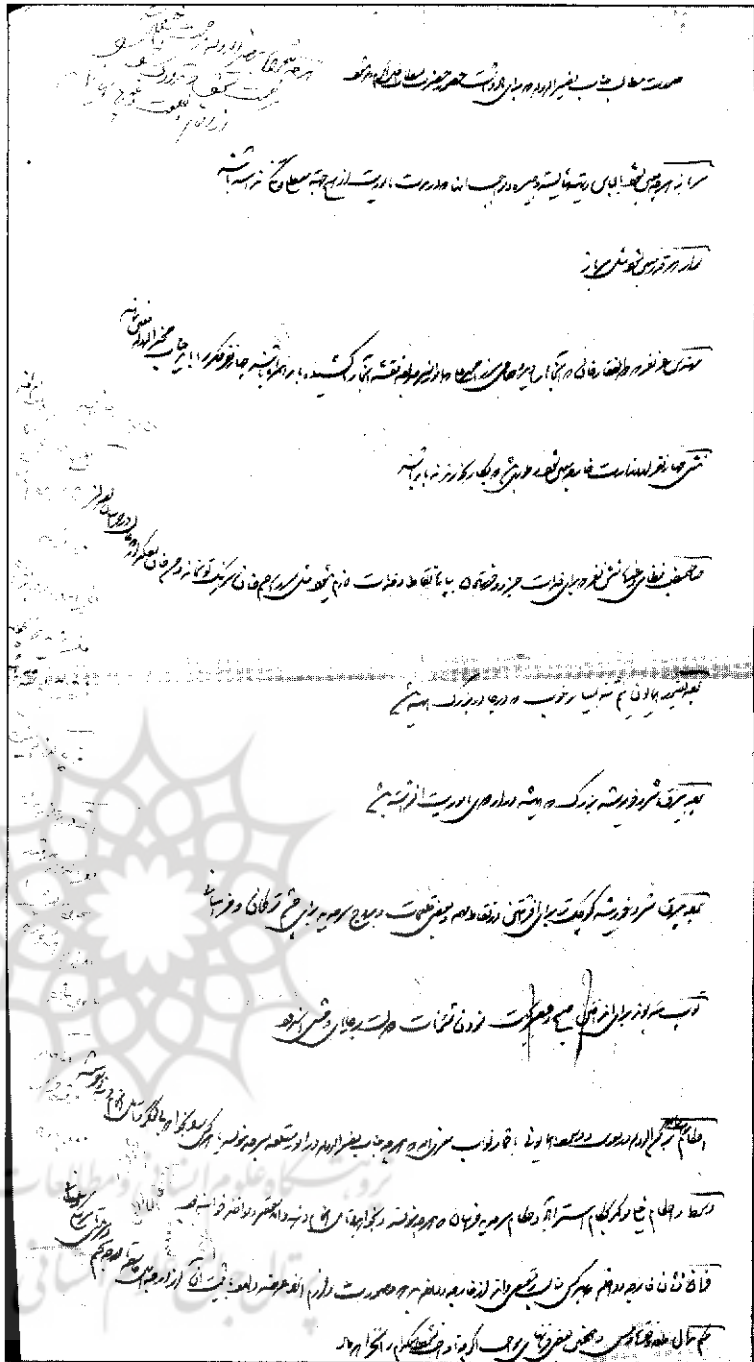
روشن کند. از این سفرنامه حذف شده است. من موقع تصحیح گزارش میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وقتی به این قسمت رسیدم و دیدم این قسمت حذف شده است وزیر امور خارجه در باب فراریهای ایران به روسیه و فراریهای روسیه به ایران

صالحی: یک سفر دیگر هم تحت عنوان سفرنامه صنایع الدوله از تفلیس به تهران که کم حجم ولی بسیار با ارزش است چاپ کرده‌اید. نکته جالبی که در این سفرنامه توجه مرا جلب کرد، این بود که صنایع الدوله در جایی از این سفرنامه می‌گوید باکو چهل هزار نفر جمعیت دارد که بیست هزار نفر آن ایرانی هستند و دیگر آن که در تفلیس و بسیاری از شهرهای قفقاز در مدارس، زبان فارسی جزء یکی از سه زبانی است که در مدارس تدریس می‌شود و این نشان‌دهنده نفوذ و اهمیت زبان فارسی در منطقه قفقاز است. راجع به این سفرنامه هم اگر مطلب خاصی دارید بفرمائید.

گلین: سفرنامه صنایع الدوله که همان اعتمادالسلطنه باشد به دستور ناصرالدین شاه در زمان بازگشتش از اروپا نوشته شد. یعنی ناصرالدین شاه صنایع الدوله را مأمور کرد زیر نظر ایشان کالاها و هدایای آورده شده از اروپا به بندر انزلی حمل شود و از طرفی صنایع الدوله خودش در این سفر همراه ناصرالدین شاه بود و نتوانست خاطراتش را به صورت بازتر بنویسد ولی همین رساله کوچک باقی مانده از وی حاوی اطلاعات زیادی به خصوص درباره ایرانی‌های ساکن در باکو، تفلیس و مناطق قفقاز است. این سفرنامه به نوعی بیاتنگ روحیات و علاقه ایرانی‌های ساکن در آن مناطق به ایران است. در کتابی می‌خواندم که تقی‌زاده از خاطراتش به هنگام رفتن به تفلیس یا باکو نقل

می‌کنند سلطان مسعود بیدار می‌شود و با قیل یان دعوا می‌کند که چرا مرا بیدار نکردید و دستور برگشت می‌دهد و می‌گوید من با برید طوس کار دارم. سرخس در گذشته از لحاظ موقعیت جغرافیایی و نزدیک بودن به ماوراءالنهر ارزش بیشتری داشته و از نظر آب و هوا، گل‌ها، پرندگان و غیره آن اشاره شده ولی بسیاری در سفرنامه‌های عبدالله سرهنگ و رکن الدوله به بعضی مسائل، مثل آب و هوا، گل‌ها، پرندگان و غیره آن اشاره شده ولی بسیاری از ابعاد جغرافیایی، انسانی و مشاغل آن جا ناشناخته مانده است. صالحی: اگر موافق باشید بحث سرخس را خاتمه دهیم و بپردازیم به منابعی که شما تصحیح و منتشر ساخته‌اید. به ویژه سفرنامه‌ها که تاکنون چند مورد از آن‌ها را منتشر ساخته‌اید. از جمله پنج سفرنامه که همه به نوعی مربوط به ایران و روسیه است. به ویژه نشان‌دهنده توسعه‌طلبی روس‌ها در شمال غرب ایران یعنی منطقه قفقاز است و این نشان می‌دهد که شما علاوه بر مرزهای شمال شرقی به مرزهای شمال غربی هم توجه داشته‌اید. آیا توجه شما به منطقه قفقاز و سفرنامه‌های رجال ایران که به روسیه رفته‌اند علت خاصی داشته است.

گلین: علت توجه من به این سفرنامه‌ها به جهت اطلاعات ارزشمندی است که در این قبیل کتاب‌ها وجود دارد و مشابه آن در کمتر کتابی به چشم می‌خورد. مثلاً سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلیچی به روسیه به جهت طول مدت دو ساله سفر وی حاوی اطلاعات ارزشمندی است. اما متأسفانه صفحاتی از این سفرنامه که بایستی کم و کیف گفت‌وگوی مهم و حساس ایلیچی با سر وزیر خارجه روسیه یعنی یرمولوف را

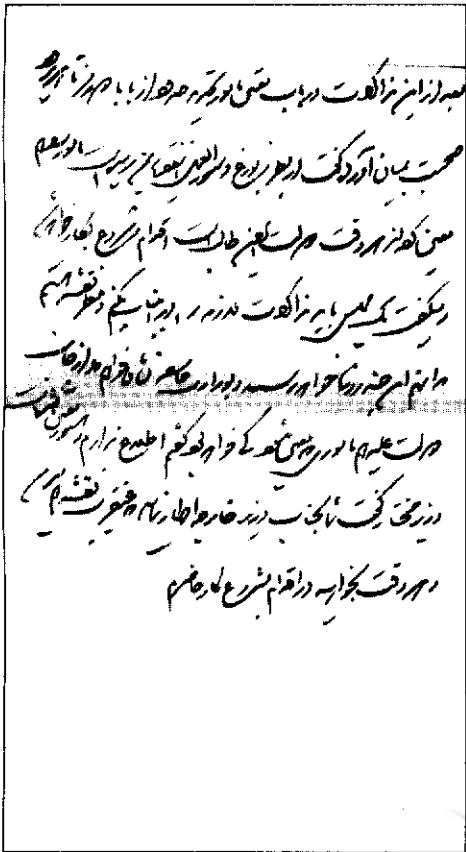


گزارش نصیرالدوله و دستور وزیر امور خارجه و دستور ناصرالدین شاه در باب مرزهای خراسان

می کند که در یکی از خیابان های باکو به دو نفر از تجار ایرانی برخوردم که مقابل مغازه شان چاله کنده بودند که درخت بکارند صدا زد: حاج حسن چه کار می کنی؟ گفت: سیدحسن دارم این جا درخت می کارم آبش دهم تا بزرگ شود تا یک روزی ماهوران دارایی ایران بیایند مرا به این درخت بینند و به من کتک بزنند و از من مالیات بگیرند ولی من زیر نفوذ این مردم نباشم. ببینید که مردم ایران در آن جا چقدر تحت فشار بوده اند و چه علاقهای به ایران داشته اند که می خواسته اند به این مملکت برگردند.

تیریزنیا: لطفاً راجع به سفرنامه ترکستان و ایران که در سال ۵۶ چاپ شده نیز توضیحی بفرمایید.

گلبن: بعد از آن که روس ها برای تصرف آسیای مرکزی دندان تیز کردند و فشارشان را افزایش دادند، یک نفر سوئسی با سختی بسیار و حتی با یکی دو بار به زنان افتادن خودش را به روسیه رساند و این سفرنامه را نوشت. مرحوم جمال زاده سه چهار



گزارش میرزا نصرالله خان درباره غارت شدگان شهرهای مرزی ایوان

مقاله مفصل درباره این شخص و سفرنامه اش نوشته و در مجله نگین چاپ کرده است. مقالات جمال زاده بسیار ارزشمند است و برای شناخت درجه اهمیت این سفرنامه خیلی مهم است. این سفرنامه علی رغم اطلاعات جالب و ارزشمندی که از نحوه اشغال آسیای مرکزی توسط روس ها در اختیار می گذارد چندان شناخته شده نیست.

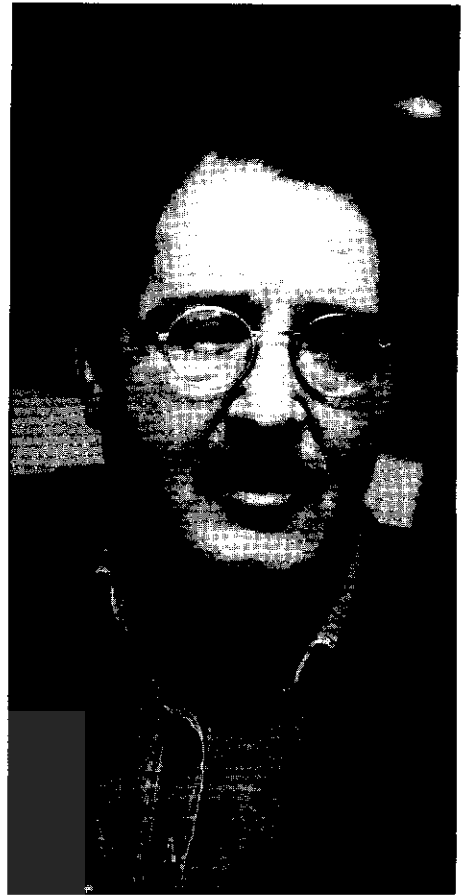
تیریزنیا: یکی دیگر از سفرنامه هایی که منتشر ساخته اید سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی است. راجع به این کتاب نیز اگر توضیح خاصی دارید بفرمایید.

گلبن: صفاءالسلطنه معاون وزارت انطباعات و مدتی هم معاون میرزا حسین خان سپهسالار حاکم خراسان بود، زمانی برای دین پورش از طریق راه رباطات یعنی تربت و طیس و ساغد و مشجری به نائین رفت. یک قسمت از راهی را که طی کرد با مسیر سفر ناصرخسرو یکی بود. از روی علاقه این راه مشترک را بررسی کردم و در مقدمه سفرنامه به شکل جامع نوشتم. این سفرنامه اطلاعات خوبی درباره دانشمندان، رجال و اوضاع جغرافیایی ارائه می دهد.

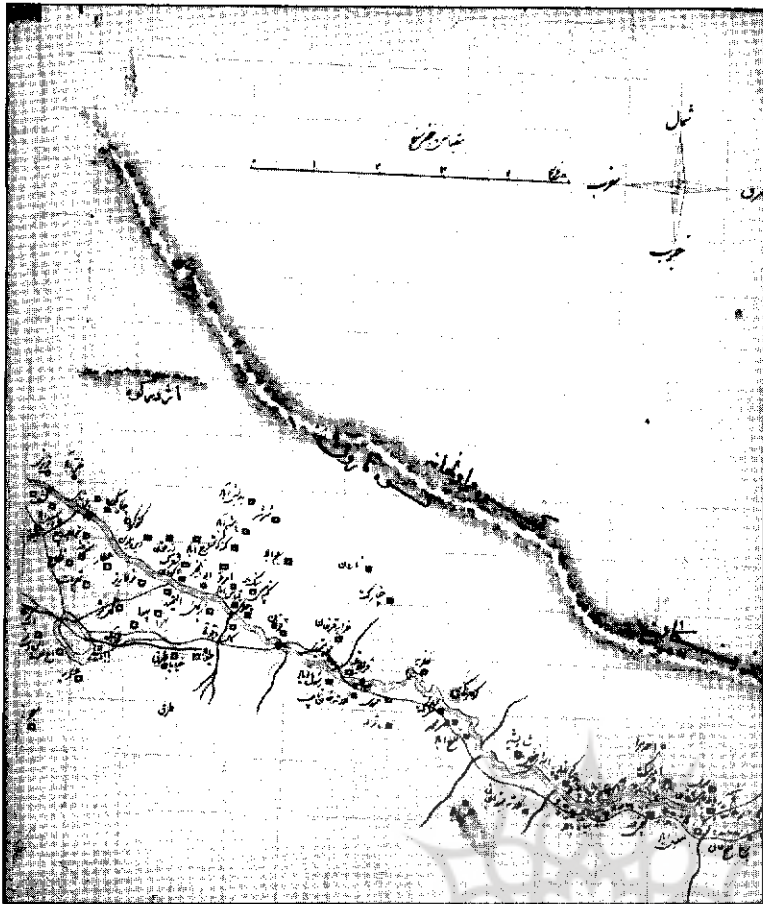
تیریزنیا: کتاب دیگری که اخیراً توسط شما منتشر شده سفرنامه سیف الملک به روسیه است لطفاً راجع به دوره زمانی و محدوده جغرافیایی این سفرنامه هم توضیح دهید.

گلبن: این سفرنامه توسط متشی سیف الملک در سفر به روسیه در سال های ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۳ نوشته شده و حاوی اطلاعات زیادی درباره روابط ایران و روسیه است. به ویژه راجع به پیشرفت های روسیه و وجود مدارس، کارخانه ها و... اطلاعات مفیدی دارد. این سفرنامه به همراه پنج پیوست و چندین نمایه در





استاد محمد گلین



سال گذشته از سوی انتشارات وزارت امور خارجه منتشر شده است.

**صالحی:** از سفرنامه‌ها که بگذریم بخش مهم دیگری از کارهایی که شما انجام داده‌اید انتشار کتابشناسی‌های متعدد بوده است. از جمله کتابشناسی صادق هدایت، کتابشناسی زبان و خط فارسی، کتابشناسی نگارگری و فهرست سی ساله سالنامه دنیا. اصولاً چه ضرورت‌هایی شما را به کار دشوار تهیه و تدوین چنین کتابشناسی‌هایی سوق داده است؟

**گلین:** دسترسی آسان به منابع و اطلاعات، پایه و مقدمه هر کار تحقیقی است. اگر دانشجویی منبع‌شناس نباشد نمی‌تواند به درستی تحقیق کند. من در طول کارهای تحقیقی می‌دیدم که ما با ضعف منابع مرجع مواجه‌ایم تصمیم گرفتیم در زمینه کتابشناسی کار کنیم. هر کاری در این زمینه در کشور انجام شود، حداقل شش ماه کار تحقیق را در جامعه جلو می‌برد.

**صالحی:** روی کدام یک از کتابشناسی‌ها زحمت زیادی کشیده‌اید و بیشتر بدان تعلق خاطر دارید؟

**گلین:** بیش از همه تهیه و تدوین کتابشناسی نگارگری وقت و نیروی من را گرفت. در این کتاب نزدیک به شش هزار مدخل آمده است. راجع به نقاشان ایران، نگارگران، مینیاتوربست‌های ایران و... مدخل‌های فراوان آورده شده است. این کتاب را آقای آذرنگ ویراستاری کرد چون روی این کتاب خیلی زحمت کشیدم. خیلی به آن علاقه‌مندم. این کتاب را در سال ۵۷ انتشارات نقره منتشر کرد و الان هم روی جلد دوم این کتاب مشغول کار هستیم. کتابشناسی نگارگری بعد از انتشار در خارج از کشور با استقبال روبه رو شد. آقای چنگیز

**پهلوان** می‌گفت که در خارج تو را با این کتاب می‌شناسند. **صالحی:** تا قبل از انتشار فهرست سی ساله سالنامه دنیا این منبع بسیار مهم که حاوی مواد و اطلاعات مورد نیاز در پژوهش‌های تاریخ معاصر است و در طول سی سال فراهم شده است، تقریباً در پژوهش‌های تاریخی مورد غفلت بود، انتشار فهرست سی ساله این مجموعه ضمن این که منبع مهم را احیاء کرد موجب سهولت رجوع بدان نیز شد. می‌خواستم ببینم در زمینه تدوین فهرست‌ها و کتابشناسی‌ها آیا کار دیگری نیز انجام داده‌اید که هنوز منتشر نشده باشد.

**گلین:** بله، دوره نوزده ساله مجله آینده را چکیده‌نویسی کرده‌ام که در مراحل پایانی و آماده چاپ است. همین کار را در مورد مجموعه یادنامه‌ها، جشن نامه‌ها و نام‌واره‌ها که از اول تا حالا در ایران چاپ شده، انجام داده‌ام که شاید مجموعاً سه جلد می‌شود. این یادنامه‌ها عمدتاً حاوی مقالات ارزشمندی هستند که به دلیل فاصله زمانی انتشار آنها از ما و یا تیراژ اندک آن‌ها اغلب مورد غفلت قرار گرفته‌اند. برای نمونه در مورد **عبدالعظیم قریب** در سال ۱۳۳۴ جزوه‌ای ۷۰ صفحه‌ای منتشر کرده‌اند که جز یکی دو نفر هیچ کس آن جزوه را ندارد.

از این قبیل یادنامه‌های ناشناخته زیاد است که انشاءالله با چاپ فهرست کامل مجموعه مقالات آنها، به یادنامه‌ها نیز از سوی اهل تحقیق توجه خاص مبذول خواهد شد. **تبریزتیا:** لطفاً راجع به شکل تنظیم و تدوین این مجموعه‌ها توضیحی بفرمایید.

**گلین:** در ایران فهرست مقالاتی را که توسط آقای افشار به شکل ساده و در پنج جلد چاپ شده داریم و جلد ششم آن هم

نقشه دیگری از مسیر کشف رود به قلم محمدحسین مهندس در سال ۱۳۱۱ ه. ق.







از نظامی در این نامه‌ها است که در دیوان‌های چایی او نیست نمی‌دانم قائم مقام این شعرها را از چه مأخذی نقل کرده است. بر این نامه‌ها مقدمه مفصلی نوشته‌ام که اگر خدا بخواهد در آینده منتشر خواهیم کرد. در خصوص خواندن اسناد تاریخی لازم است ذکر خبری از مرحوم همسرم بکنم. ایشان صاحب ذوق بود، نقاش خوبی بود. چون به خواندن اسناد تاریخی علاقه نشان داد، مدتی به او روش خواندن خطوط مختلف را آموزش دادم. بعد از آموزش‌های لازم حدود شش ماه مستمر به تمرین در خواندن خطوط اسناد و نسخه‌های خطی پرداخت. بعد از این مدت چنان مهارت پیدا کرد که از من که استادش بودم پیش افتاد. به گونه‌ای که هرگاه دوستان در خواندن سندی مشکل داشتند به او مراجعه می‌کردند و او بلافاصله بدون تأمل شروع به بازنویسی کل سند می‌کرد. ولی متأسفانه عمر او کوتاه بود و دست اجل نگذاشت که او بیشتر در خدمت تاریخ و فرهنگ این کشور باشد.

**تبریزنیا:** شما در سال ۱۳۵۴ کتابی را هم راجع به فاطمه سیاح چاپ کرده‌اید. در خصوص این کتاب هم اگر توضیحی بفرمائید ممنون می‌شویم.

**گلین:** ایشان دختر میرزا جعفر خان محلاتی بود. پدرش ایرانی و مادرش آلمانی و در روسیه به دنیا آمده بود. در زمینه نقد و انتقاد دکتری گرفته بود. به علت آشنایی و تسلط بر چندین زبان از جمله فارسی، عربی، روسی، آلمانی، انگلیسی و فرانسه و نیز داشتن شوم انتقادی، در هر زمینه‌ای که کار کرده به نحو مطلوب از عهده برآمده است.

ایشان در سال ۱۳۱۳ به ایران آمد و در هزاره فردوسی که در ۱۳۱۳ برگزار شد شرکت کرد. و بعدها به استادی دانشگاه تهران رسید. مجموعه مقالات و آثاری از وی که در مسکو چاپ شده است را نتوانستم بدست آورم اما با تلاش‌هایی که به عمل آوردم توانستم مجموعه‌ای از آثارش را در ایران فراهم کنم و در کتابی با حجم ۶۰۰ صفحه منتشر ساختم.

**تبریزنیا:** در سال گذشته جلد اول از خاطرات عباس خلیلی را منتشر کردید راجع به فعالیت‌های سیاسی و به ویژه روزنامه‌نگاری او هم لطفاً مطالبی بفرمایید.

**گلین:** عباس خلیلی بعد از بهار جزء چهره‌های برجسته تاریخ روزنامه‌نگاری ایران استه هم شخصیت و هم دانش و آگاهی او قابل تحسین است. وی آدم وطن‌پرستی بود. نسبت به منافع و موقعیت ایران حساسیت بسیاری داشت. هر جا سخنرانی می‌کرد در پایان تا نمی‌گفت زنده‌باد ایران از میز خطابه کنار نمی‌رفت. مجموعه آثار پراکنده او شش جلد می‌شود، جلد دوم که خاطرات سیاسی اوست و بسیار مهم است تا عید منتشر خواهد شد. دو جلد به مقالات پراکنده او اختصاص یافته که در حدود ۱۰۰۰ یا ۱۲۰۰ صفحه خواهد شد. جمع‌آوری داستان‌های او نیز تمام شده و فقط مقالات سیاسی او مانده که در حال کار بر روی آنها هستیم.

**تبریزنیا:** در پایان ضمن ذکر یاد مرحوم راضیه دانشیان که یار و مددکار شما بود، اگر کارهای مشترکی با ایشان انجام داده‌اید که هنوز چاپ نشده به آن‌ها نیز اجمالاً اشاره بفرمایید.

**گلین:** بله، من و مرحوم همسرم کارهای مشترکی را با هم انجام داده‌ایم که در آینده منتشر خواهد شد. از جمله تعداد زیادی از اسناد دست اول مربوط به قضیه فروش دختران قوچانی که در حدود ۸۰۰ صفحه شده است. کار دیگر جلد دوم کتاب محاکمه، محاکمه گران است که مربوط به دوره مشروطه می‌شود. فهرست مجله آینده نیز یکی از کارهای مشترک است که هفت سال اول این مجله را ایشان انجام دادند و من کتاب را با نام هر

دوی‌مان منتشر خواهیم ساخت، همچنین مجموعه‌ای از نقاشی‌های ایشان را نیز در یک کتاب منتشر خواهیم ساخت.

**تبریزنیا:** با کمال تشکر از شما که در این نشست شرکت کردید و با حوصله به تمام سؤال‌ها پاسخ دادید.

**گلین:** من هم از شما تشکر می‌کنم و آرزوی توفیق هرچه بیشتر شما را در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا دارم.

#### توضیح:

تصاویر تمام اسناد این گفت و گو متعلق به کتابخانه شخصی استاد محمد گلین است. بدین وسیله از اینکه استاد را از سر لطف در اختیار کتاب ماه تاریخ و جغرافیا قرار داده‌اند از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

### فهرست برخی از آثار چاپ شده استاد محمد گلین

- |   |  |   |  |   |  |  |  |  |   |  |  |  |  |   |   |  |   |  |                     |  |   |  |   |  |   |                               |
|---|--|---|--|---|--|--|--|--|---|--|--|--|--|---|---|--|---|--|---------------------|--|---|--|---|--|---|-------------------------------|
| ۱. فردوسی نامه بهار، (تهران: سپهر ۱۳۴۵، چاپ جدید، ۱۳۸۱) | ۱۰. کتاب‌شناسی زبان و خط (تهران مرکز اسناد فرهنگی آسیا ۱۳۵۶) | ۲۲. سفرنامه ایران و روسیه، ملکونوفه عزالدوله، (تهران، دنیای کتاب، ۱۳۴۳) | ۱۱. سفرنامه میرزاابوالحسن خان ایلچی به روسیه (تهران: مرکز اسناد... ۱۳۵۷) | ۲۳. سفرنامه سیف‌الملک به روسیه به قلم حبیب‌الله افشار قزوینی، (تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰) | ۱۲. روزنامه روح‌القدس (تهران: نشر چشمه ۱۳۵۶) | ۲۴. فهرست سی ساله سالنامه دنیا، (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶) | ۱۳. محاکمه محاکمه گران با همکاری یوسف شریفی (تهران: نقره ۱۳۴۳) | ۲۵. سفینه‌الفرامین (سفینه‌الانشاء، مجموعه منشآت و مکاتیب میرزا محمد منشی نائینی «فروغ»، (خرم آباد، پیغام، ۱۳۷۷). | ۱۴. کتاب‌شناسی نگارگری (تهران: نقره ۱۳۷۳) | ۲۶. سفرنامه رکن‌الدوله به سرخس، (تهران، سحر، ۲۵۳۶) | ۱۵. سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی (تهران: اطلاعات ۱۳۸۲) | ۲۷. اسنادی درباره تاریخ مشروطه ایران، (بررسی‌های تاریخی، ش ۵، تهران، ۱۳۴۹) | ۱۶. مدرس در تاریخ و تصویر (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی | ۱۷. گلزار خاموش (یادنامه بانو راضیه دانشیان (گلین) همراه با مقالاتی درباره زنان، (تهران، رسانش، ۱۳۸۲) | ۱۸. بلندآفتاب خراسان (یادنامه استاد محمدتقی ملک‌الشعراء بهار)، (تهران، رسانش، ۱۳۸۲) | ۱۹. در آیین تاریخ (خاطرات سیاسی عباس خلیلی [مدیر روزنامه اقدام])، (تهران، انوشه، ۱۳۸۲) | ۲۰. اردستان نامه (مجموعه مقالات)، (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱) | ۲۱. تیاتر (مجموعه روزنامه)، به همراه شرح احوال و آثار میرزا رضاخان طباطبایی نائینی، به کوشش محمدگلین و فرامرز طالبی، (تهران، چشمه، ۱۳۶۶) | ۲. تهران: سحر ۱۳۵۶) | ۳. سفرنامه خسرو میرزا به روسیه، (تهران ۱۳۴۹، مستوفی) | ۴. بهار و ادب فارسی، ۲ ج (تهران: جیبی ۱۳۵۱، چاپ جدید، ۱۳۸۲) | ۵. مجموعه مقالات و تقریرات دکتر فاطمه سیاح (تهران: توس ۱۳۵۴) | ۶. کتاب‌شناسی صادق هدایت (تهران توس ۱۳۵۴) | ۷. سفرنامه اعتمادالسلطنه (صنایع‌الدوله) تهران: سحر ۱۳۵۶) | ۸. سفرنامه ترکستان و ایران (تهران: سپهر ۱۳۵۶) | ۹. سفرنامه رکن‌الدوله به سرخس |
|---|--|---|--|---|--|--|--|--|---|--|--|--|--|---|---|--|---|--|---------------------|--|---|--|---|--|---|-------------------------------|